

تطور معماری مساجد در ایران

آمدن مسلمانان به تیسفون پایتخت حکومت ساسانی در سال ۶۳۷ میلادی و پذیرش آیین اسلام توسط ایرانیان، موجب پدید آمدن تحولات شگرفی در کلیه شوون گردید.

همان‌گونه که ایرانیان پس از قبول اسلام، آزادانه مذهب شیعه را انتخاب نمودند، و نیز همان‌گونه که به ادامه صحبت به زبان فارسی و یا «پارسی» پرداختند و نه به زبان عربی، معماری ایران نیز به همان نسبت این تمایز ملی را در خود آشکار نمود.

در آغاز، مسلمانان در ایران ساخت عمارت جدیدی را معمول کردند: مسجد، مرکز تجمعات مذهبی جامعه مسلمان، جایی که پنج مرتبه در روز، مؤمنان با بانگ مؤذن جهت نمازگزاردن گرد هم می‌آیند و رو به قبله می‌ایستند. از مشخصه‌های بارز نمونه مسجدی که مسلمانان متداول کردند طرح امیهی آن است، بدین معنا که این مسجد دارای صحن وسیعی بود که به وسیله ایوان‌های سرپوشیده ستون‌دار احاطه شده بود و تالار عبادت آن شبستانی بود چهل ستون.

هانری استیرلن

ترجمه منصور فلاح نژاد

نگاه ساسانی و ممالک شرقی
پیش از اسلام

بدین‌گونه مسجدهای بزرگی که در قرن نهم میلادی هم‌زمان با دوره عباسی در سواحل رودخانه‌های بین‌النهرین، نزدیک تیسفون، در سامره و ابودولف ساخته شدند معرّف طرح مذکور می‌باشند. محوطه بزرگ این مسجدها و گنبدهای آجری آن که رواق‌ها و صحن‌های موازی با شبستان چهل‌ستون را پوشانده‌اند مطابق با شیوه‌های معماری به‌کاررفته‌ی هستند که می‌توان آن‌ها را در قبروان، کوردو و امری در قاهره نیز مشاهده نمود.

تجدید حیات ملی

ایرانیان این تحول را که به‌وسیله اعراب مسلمان حاکم شده بود به‌نوعی تغییر دادند - در این مورد می‌توان به مسجد دامغان (قرن هشتم میلادی) و مسجد نائین (قرن دهم میلادی) اشاره کرد - و به‌زودی حرکتی را آغاز نمودند که می‌توان از آن به‌نام جنبش تجدید حیات ملی برهمنای اندیشه اسلامی یاد کرد. جنبشی که ریشه در اشکال معماری مورد استفاده در گذشته ایرانیان دارد.

بنابراین در زمینه معماری، ایران به آفرینش طرحی نوین پرداخت، طرحی که در آن قُبه (هر نوع عمارت با سقف گنبدی‌شکل) منشعب از معماری معابد قدیم ایران، و ایوان منشعب از تالار ضیافت ساسانی، با طرح‌ها و نقشه‌های اسلامی منطبق شدند. شیوه معماری کاملاً ایرانی در ابتدا با قصرها و سپس با مکتب‌های قران (مدرسه‌ها) گسترش یافت. در مرحله اول مسجدهای ایران فقط یک ایوان داشتند - و این خود نشانه‌ی کاملاً ایرانی است - و قصرها و سپس مدرسه‌ها یک صحن اصلی مربعی‌شکل داشتند که در هر یک از چهارسوی داخلی این صحن‌ها یک ایوان وجود داشت.

این طرح متقاطع که منشاء معماری اسلامی در ایران شد در عهد ملک‌شاه از قرن یازدهم و طی دوره سلجوقی به ظهور رسید. از این تاریخ بیش از سه قرن در

حارو جنجال جنگ‌ها و جنبش‌های مردمی سپری شد و در طی این قرن‌ها ایران هنوز هویت اصلی و قدرت آفرینش هنری خویش را باز نیافته بود.

پژوهش در اسلوب‌های نوین

بدین‌گونه مشاهده می‌شود که ایرانیان برای حفظ سنت‌های مثبت با گذشته خویش شکل ایوان را از بناهای ساسانی برمی‌گزینند و در عین حال برخی از قواعد پایه‌ی و اساسی مسجد را نیز حفظ می‌کنند. در این مرحله مشاهده می‌شود که قسمت انتهایی شبستان عبادت به‌صورت عمودی و در جهت مکه به‌وسیله دیواری که دیوار قبله نام دارد بسته شده است. در وسط این دیوار تورفتگی‌یی وجود دارد که محراب نامیده می‌شود و مقدس‌ترین جایگاه است. این محل که قسمت بالایی آن قوس شکسته‌یی دارد نمونه و نشانه‌ی است از مفهوم پرستش که شاید به مشابه خود در کلیساهای مسیحیت قدیم (قبطی) اشاره دارد. در آن‌جا قبل از ظهور اسلام محراب گنبدی‌شکل کلیسا را می‌توان مشاهده نمود که بر فراز محل کاملاً مقدسی قرار گرفته است.

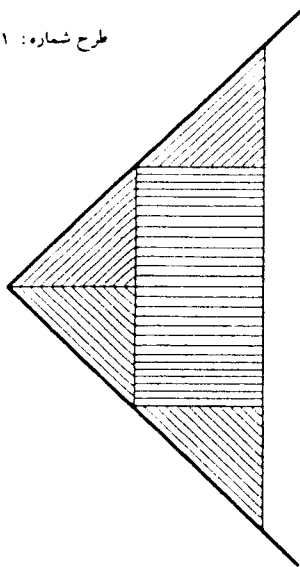
در ایران قسمتی از عمارت که دارای گنبد بزرگی است و ایوان نام دارد به‌تدریج از لحاظ معماری گسترش قابل ملاحظه‌یی پیدا کرد و اندازه‌های وسیعی را پوشاند. چهار ایوان مسجد فضایی وسیع و روباز را احاطه می‌کنند و به‌وسیله قسمت‌های سرپوشیده‌یی که دارند باعث برقراری ارتباط بین فضاها داخلی مسجد می‌شوند. به‌علاوه این ایوان‌ها در قسمت سردر ورودی دارای چارچوبی افقی هستند که شکل طاق‌نصرت بزرگی را تشکیل داده است. در این طاق‌نصرت می‌توان تزئینات بسیار زیبایی را مشاهده نمود.

در واقع در قسمت تورفتگی‌های بزرگ ایوان‌ها و نیز در گنبد شبستان‌هایی که قبل از دیوار قبله و محراب واقع شده‌اند ابداعات دقیق و استادانه معماری ایرانی به

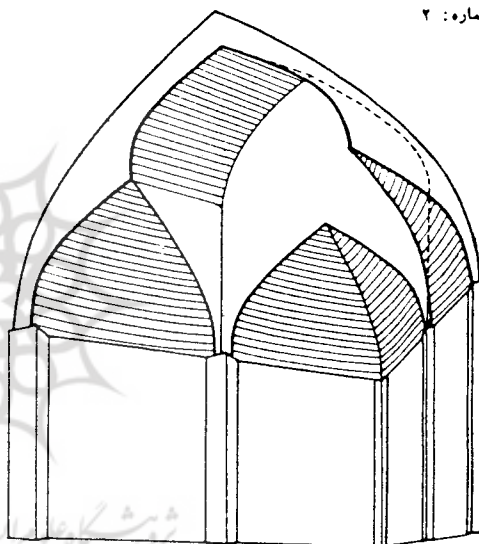
منصه ظهور رسیده‌اند. این گنبدها با طرح‌های آزادانه و تجملی خویش به همان نسبت که مختلف‌اند از مهارت‌های گوناگونی نیز برخوردارند و می‌توان گفت که همه راه‌حل‌های هوشیارانه و ماهرانه معماری آسیای میانه را در خود جای داده‌اند. در این معماری می‌توان شاهد تعاملی سازنده بود. تعاملی بین گرایش‌های خالص عربی و گرایش‌هایی ایرانی که ریشه در سنت و فرهنگ ایرانی داشت و خواستار تداوم نشانه‌های ایرانی بود. این تعامل انگیزه اصلی معماران بود.

نست خرطومی (شیوری شکل) بک شستان گبندار که متعلق به دوره سلجوقی است (قرن یازدهم میلادی). ۱: طرح؛ ۲: منظره دورنما؛ ۳: برش بر روی خط منصف؛ ۴: ارتفاع. مقیاس تقریبی: ۱/۴۰.

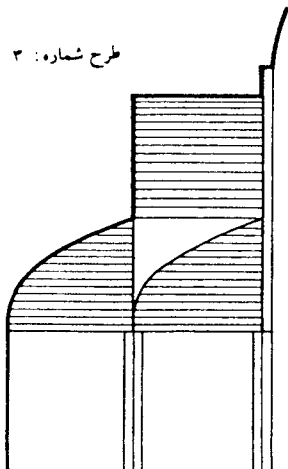
طرح شماره: ۱



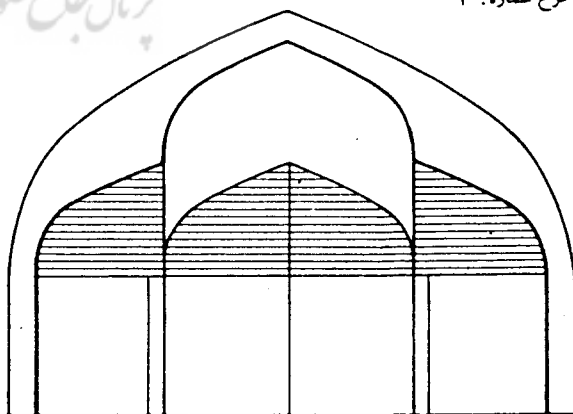
طرح شماره: ۲



طرح شماره: ۳



طرح شماره: ۴



در نمونه گنبد ما قسمت‌های مخروطی (شیبوری شکل) که در اطراف یک هسته اصلی در شبستان‌های چهل‌ستون مسجد جمعه متصل شده‌اند.

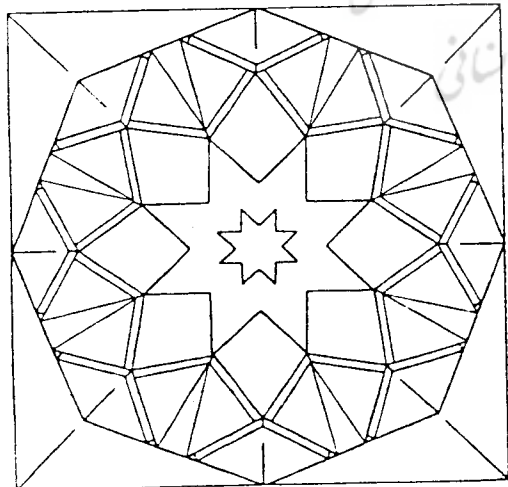
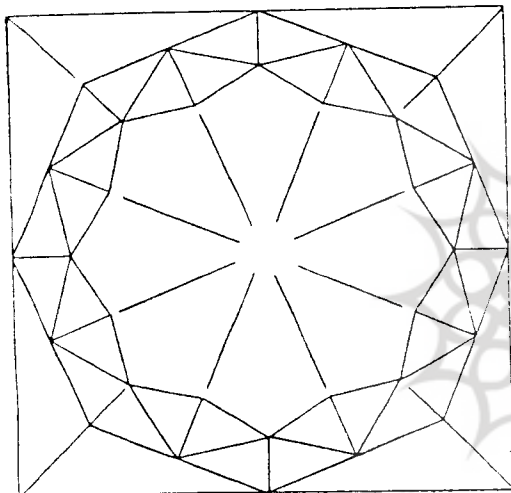
معماران ایرانی خواهان ابراز ابتکارات و ابداعات ایرانی بودند و در عرصه معماری همه هم و غم خویش را معطوف به پژوهش‌هایی می‌نمودند که منجر به نوآوری و غنای فرهنگ ایرانی اسلامی شود. بنابراین به وجود این‌که اشکال در زمان کوتاهی تحول پذیرفته و متغیر می‌شوند اما در عین حال به داده‌های پایه‌ی و اساسی معماری پیشین وفادار می‌مانند.

از مربع تا دایره

شاید بتوان همراه با معماری ایران اسلامی نظاره‌گر گذشته‌ی بود که در آن‌جا می‌توان ماهرانه‌ترین، عالمانه‌ترین و کارآمدترین پژوهش‌های معماری را در مورد فضاهای هلالی شکل از قبیل گنبدها، ایوان‌ها، شبستان‌های چهل‌ستون و... تشخیص داد. زیرا همیشه برای ایرانیان گنبد آجری عنصری اساسی جهت سکونت محسوب می‌شد.

هم‌چنان‌که اشاره کردیم، از دوره پارت‌ها و ساسانیان به بعد پژوهش‌های معماری اختصاص داشتند به گسترش کاربرد این گنبد‌های کوچک (خانگی) در قصرها و نیز در پرستشگاه‌های زرتشتی که به منظور گرامبداشت آتش ایجاد شده بودند. در واقع پژوهش‌های مذکور باعث آفرینش اشکال بسیار ناب و کامل معماری شدند. معماران مسلمان ایرانی آن دوره خواستار تکمیل این طرح‌های معماری و به خصوص گسترش فن گنبدسازی شدند و می‌خواستند در عین حال به اشکال گذشته معماری خویش نیز وفادار بمانند.

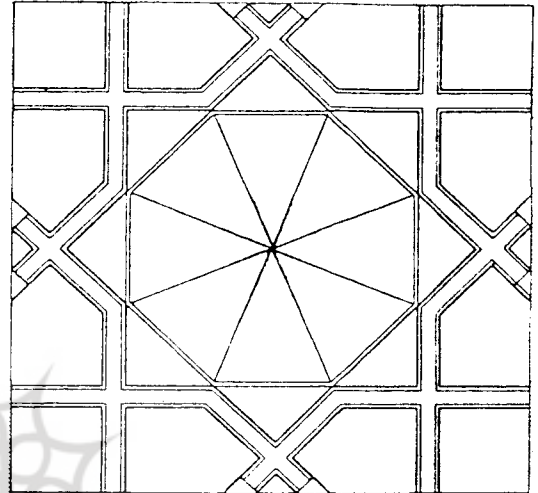
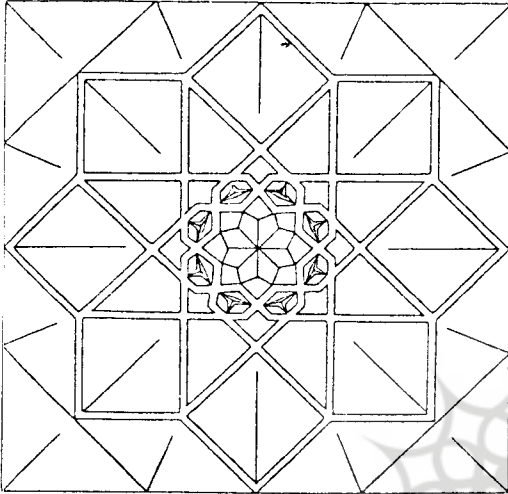
نکته عمده و اصلی تلاش و نوآوری معماران ایرانی به ویژه معطوف بود به ایجاد ارتباط بین گنبد نیم‌دایره‌ی و قسمت پایه‌ی آن که مربعی شکل است. گذر از طرح مربعی به طرح دایره‌ی در ابتدا به صورت تجربی و آزمایشی صورت گرفته است. معماران در چهار گوشه بنا، گنبدی اشکال شیبوری و مخروطی را ساختند. با گسترش این اشکال مخروطی شکل، عناصر مورب



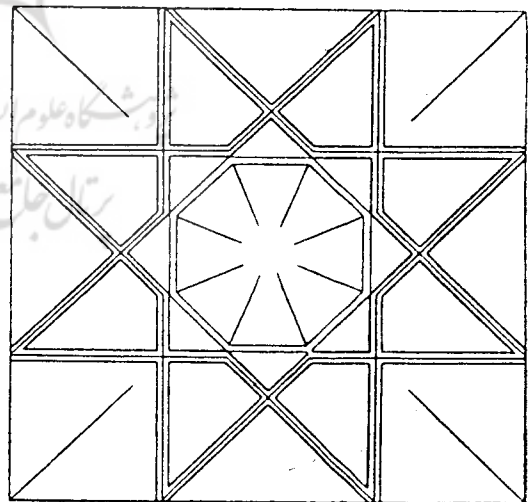
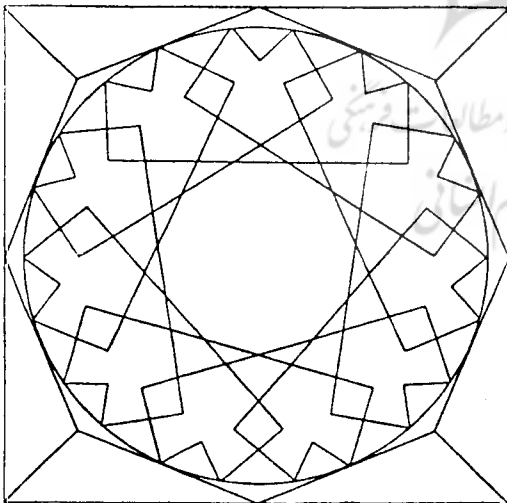
راه‌حل مختلط و دوگانه و آفرینش نقوش کاملاً هندسی در محل ارتباط بین طرح مربعی و پایه دایره‌ی گنبد تمام تلاش و توجه خود را به کار بستند. وانگهی این اشتغال خاطرکه معطوف به ایجاد نظم هندسی بود یکی از مشخصه‌های بارز روحیه ایرانی است: در واقع

ساختمانی به وجود آمدند که به تدریج باعث ایجاد ارتباط بین دیوارهای صاف و پایه مدور گنبد شدند. در نتیجه این اعمال اشکال غیرمنظمی به وجود آمدند که با تعاریف ساده هندسی جور در نمی‌آمدند.

به همین جهت معماران ایرانی برای تکمیل این



طرحی که در آن قسمت ستاره‌ی شکل و قسمت‌های مخروطی (شیبوری شکل) به هم متصل شده‌اند.



طرحی که در یک هشت ضلعی و یک کثیرالاضلاع شانزده ضلعی نقش بسته است.

دو نمونه از گنبدهایی که بر روی یک طرح ستاره‌ی شکل هشت شاخه‌ی در شبستان‌های چهل ستون مسجد جمعه ایجاد شده‌اند.

مشاهده خواهیم کرد که این دلوپسی تا آخرین مراحل دقت پیش می‌رود و در همین مراحل است که می‌توان شاهد مهارت واقعی معماران ایرانی بود، مهارتی که تجملات پیچیده‌اش گاهی منجر به ایجاد سبک خاصی شده است.

بدین‌گونه به‌نظر می‌رسد که تعداد عمارت‌ها بهانه‌ی باشد برای این‌که از یک اسلوب معماری گنبدسازي دو بار استفاده نشود. گویی معماران ایرانی می‌خواستند دانش معماری خویش را به اثبات برسانند. به همین دلیل است که در گفت‌وگو از معماری ایرانی می‌توان از لغت پژوهش به‌معنای دقیق کلمه استفاده نمود، چرا که معماری ایرانی همواره در جست‌وجوی اسلوب‌های نوین بوده است.

بالاخره زمانی رسید که علاقه شدید به فنون معماری و عشق مفرط برای ترسیم خطوط بسیار پیچیده و ظریف در عمارت‌های گنبدی‌شکل، آویزها، شبکه‌ها و حفره‌های کندویی تبدیل به تصنع عمیقی شد که تنه هدفش تزیین بود و بس. در این تصنعات اثری از نقش و عملکرد عناصر اولیه ساختمانی باقی نمی‌ماند.

بنابراین پیشرفت کار به تدریج باعث آغاز ساخت گنبدهایی با ساختارهای قابل انعطاف شد. این گنبدها که به کمک زوارها و حفره‌های کندویی ایجاد شده بودند هدفی را به‌نام «هنر برای معنویت» دنبال می‌کردند. به‌عبارت دیگر در جست‌وجوی فنی بودند که اهداف عملی آن به نفع معنویات کنار گذاشته شود و الزامات سازمان‌یافته را دربر نگیرد.

آزمایشگاهی از تجارب: اصفهان

جهت مطالعه و بررسی در مورد تحول پژوهش‌های فنی در ایران قدیم لازم است به آفرینش‌های بزرگ شهری اشاره کنیم که مرکز پرتوانگنی ایران اسلامی بود: اصفهان. در واقع در این شهر می‌توان شاهد گسترش بی‌وقفه فنون معماری از قرن یازدهم تا قرن هجدهم

میلادی بود، زیرا در عهد سلجوقی و قبل از دوره صفوی اصفهان پایتخت ایران بود. به همین دلیل است که آثار زیبای تاریخی و اماکن باشکوه مذهبی ایران قدیم در این ناحیه از کشور ایجاد شده‌اند. بنابراین در اصفهان است که ابتدا در دوره سلجوقی و سپس در شکوفایی فخرآمیز دوره صفوی شاهد برخی از نمونه‌های بسیار مهم تاریخ معماری ایرانی خواهیم بود.

* * *

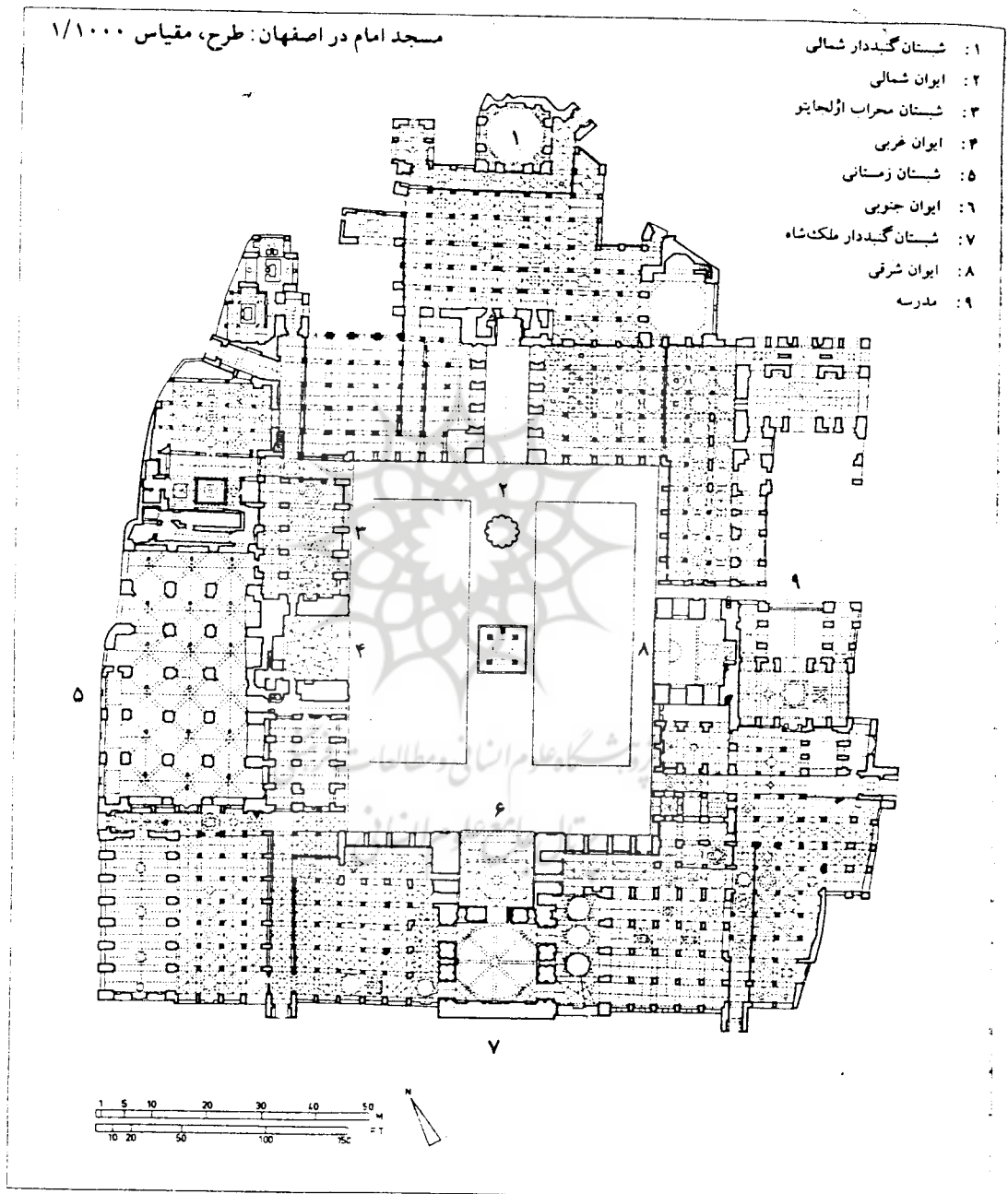
در قلب بیابان‌های ایران، واحه اصفهان که به‌وسیله تاجی از کوهستان‌ها احاطه شده بود محل سکونت مردم بود. وجود زاینده‌رود که از منبع آبی سرشاری برخوردار است باعث سرسبزی این ناحیه شده و فضای سبز دل‌انگیزی را به‌وجود می‌آورد: از هزاران سال پیش درخت‌های چنار، بید و تبریزی توجه کاروان‌ها را به این منطقه جلب می‌نمودند، منطقه‌یی که مأمّن مناسبی به‌شمار می‌آمد و بندرگاهی بود جهت استراحت. بنابراین تعجب‌انگیز نیست اگر در فلات‌های مرتفع ایران چنین موقعیت جغرافیایی با ارتفاع تقریبی ۱۵۰۰ متر از سطح دریا و آب و هوایی دل‌انگیز نظر پادشاهان ایران قدیم را به خود جلب کرده باشد، پادشاهانی که از آن به‌عنوان پایتخت خود استفاده نمودند.

در عهد ملک‌شاه، از سال ۱۰۷۳ میلادی این ناحیه (اصفهان) گسترش می‌یابد. وجود ساختمان‌های شهر دلیلی بر این مدّعاست. در این میان می‌توان به‌ویژه از مسجد جمعه (مسجد جامع) که در دوره سلجوقی ساخته شده است، نام برد. در طی حکومت ملک‌شاه، سلجوقیان به اندازه‌ها و تناسب‌های معماری مشابه با دوره هخامنشی و ساسانی دست می‌یابند، زیرا آن‌ها مرزهای مشترک خود را از چین تا سوریه و از ماوراءالنهر تا جزیره‌العرب گسترش می‌دهند. زمان، زمان شکفتن و رونق همه هنرهاست، به‌عنوان مثال می‌توان به‌ویژه از شاعر بزرگ عمرخیام نام برد.

مسجد جمعه

مسجد بزرگ جمعه اصفهان طبق سنت ایرانی طرح ریزی شده است: صحبت از عمارت وسیعی با یک صحن است که چهار ایوان آن را دربر گرفته‌اند. این

عمارت متشکل از عناصر ساختمانی بسیار گوناگونی است که متعلق به دوران متفاوت هستند و می‌توان آن‌ها را تقریباً بین سال‌های ۱۰۷۳ و ۱۸۰۰ میلادی رده‌بندی کرد. قدیمی‌ترین بخش‌های این مسجد شامل دو



شبهستان با سقف‌های گنبدی است که یکی از آن‌ها در قسمت جنوبی و دیگری در شمال ساختمان واقع شده‌اند و مربوط به دوره سلجوقی می‌شوند.

تاریخ ساخت شبهستان اول که قبل از محراب مسجد واقع شده است از عهد ملک‌شاه که از سال ۱۰۷۳ تا ۱۰۹۲ میلادی حکمفرمایی می‌کرد شروع شد. قطر این شبهستان ۱۴ متر است و در سمت جنوب به دیوار قبله تکیه دارد. چهار جفت پایه بزرگ که به شکلی چهار ستون متصل هستند از هر طرف به مثابه تکیه‌گاه‌های محکم این شبهستان به شمار می‌آیند. هم‌چون گنبد شمالی که تاریخ ساخت آن به سال ۱۰۸۸ می‌رسد اما قطر آن از ۱۰ متر تجاوز نمی‌کند، این شبهستان بیانگر نوعی فن معماری است که در آن از آجر استفاده می‌کردند و مشخصه کامل سیستم گنبدسازی بود.

در دو گنبد فوق‌گذر از شکل مربع به شکل دایره به طریقه مشابهی صورت می‌گیرد. دورنماهای طاق باعث خلق اشکال پیچیده هشت‌ضلعی می‌شوند. در آنجا طاق‌نمای کوچک زاویه‌داری امتداد یافته است. این طاق‌نما به وسیله گنبد برجسته‌یی که روی یک محور ۹۰ درجه‌یی واقع شده است نمایان است. خود این محور هم با خط منصف شکل مربع در ارتباط است. گنبد شکسته کوچک نیز از هر دو طرف در مجاورت با مثلث پشتیبان و مشابه یک نیم‌طاق است. این چهار عنصر (یعنی دورنمای زاویه‌دار طاق، گنبد برجسته و دو مثلث جانبی) در قوس شکسته‌یی جایگزین شده‌اند که مشخص‌کننده یکی از اضلاع شکل هشت‌ضلعی است. در ردیف فوقانی قوس بزرگ بالایی یک‌سری کمان‌های کوچک واقع شده‌اند که کمی برجسته به نظر می‌رسند و دارای تکیه‌گاهی دو برابر کوچک‌تر از اندازه خودشان هستند. این کمان‌های کوچک از بالای زوایای هشت‌ضلعی می‌گذرند و در کل قسمت دایره‌یی شکل گنبد کثیرالاضلاعی را می‌سازند که دارای شانزده ضلع

است.

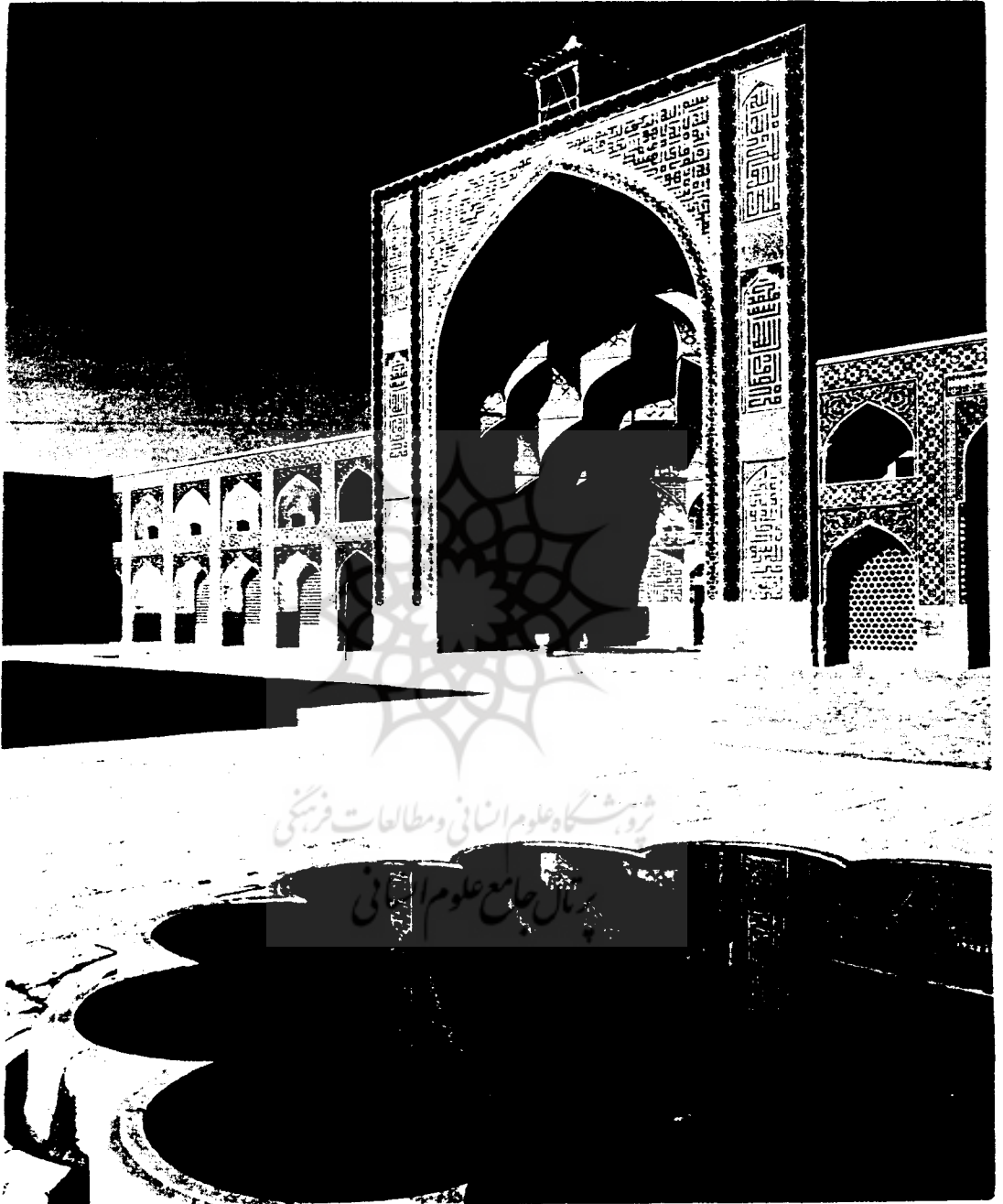
در کثیرالاضلاع فوق می‌توان کمان‌های هموار و مسطحی را مشاهده نمود که بالای هشت دورنمای زاویه‌دار هُتاق واقع شده‌اند (دلیل کم‌عمقی کمان‌های مذکور این است که با اضلاع هشت‌ضلعی اشتباه نشوند). و اما راجع به گنبدی که به شکل نیم‌دایره می‌باشد لازم به ذکر است که این گنبد در قسمت شمالی و جنوبی بیانگر آرایش‌های تزئینی زیبایی است. این آرایش‌ها به وسیله آجرهای کوچکی به وجود آمده‌اند که با طرح‌های خود آفریننده اشکال بزرگ ستاره‌ای شکل هستند.

از قرن یازدهم میلادی به بعد فن معماری سلجوقیان به تدریج به مراحل کمال دست می‌یابد. نقش و عملکرد اشکالی که توسط یک هشت‌ضلعی و یک کثیرالاضلاع شانزده‌ضلعی باعث گذر از شکل مربع به شکل دایره می‌شوند کاملاً به جا و قانع‌کننده است و از لحاظ مهارت و قوه ایجاد تعادل و توازن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. محلی که در سطح دیواره گنبد باعث ایجاد ارتباط و اتصال می‌شود به قسمت‌های کوچکی که بر طبق نظم هندسی شکل یافته‌اند تقلیل پیدا می‌کند. در واقع این سطوح مقعر مثلثی شکل که دورنماهای زاویه‌دار طاق‌های شکسته را می‌سازند بیانگر اکتشاف و نوآوری معماران عصر سلجوقی‌اند.

این عنصر ارتباط و اتصال که سه‌بُعدی و مثلثی شکل است بعدها کاربردهای متعدد دیگری نیز پیدا می‌کند. در ابتدا از آن بر روی یک‌سری قسمت‌های مقعر گنبد که دارای ابعاد کوچکی هستند استفاده می‌شود. در آنجا طرح هشت‌ضلعی به هشت دورنمای طاق که کاملاً مشابه‌اند تقسیم می‌شود. پایه‌های این دورنماهای طاق درست در وسط هر یک از اضلاع هشت‌ضلعی قرار گرفته‌اند و به‌طور برجسته در فضا گسترش می‌یابند تا طرحی ستاره‌ای شکل را که دارای هشت جهت است به وجود آورند. مجدداً دورنماهای

اواسط قرن دوازده میلادی است. در بالای این ایوان گلدسته‌یی از جنس چوب قرار گرفته است که از آن جا اذان می‌گویند و جمعیت مسلمان را به نماز دعوت می‌کنند.

در حاشیه صحن اصلی مسجد جمعه (مسجد جامع) اصفهان، ایوان غربی، پوشیده از آویزهای بزرگ در آینه حوض وضو منعکس شده است. این ساختار معماری که به کمک اشکال کروی سه گوش به وجود آمده مربوط به



شعبه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پنل جامع علوم انسانی

کوچک طاق که هرکدام از نصف یک ضلع منشعب شده‌اند رئوس طرح ستاره‌ای شکلی را که در ردیف بالا قرار گرفته است به هم متصل می‌کنند.

اسلوب به کار گرفته شده فوق می‌تواند از لحاظ اصول علمی امکان به وجود آوردن تعداد ردیف‌هایی را فراهم آورد که معمار مایل به ایجاد آن‌ها بوده است. در این حالت عرض دورنماهایی که به سمت بالا سوق داده می‌شوند کاهش می‌یابد. این اسلوب در عین حال معرف راه‌حلی عقلانی است جهت پوشاندن تدریجی فضای موجود به وسیله یک سطح مدور که از سطوح کوچک مثلثی شکل به وجود آمده است. در آن جاست که آویزهای مشهور دوران صفوی (مقرنس‌کاری) ظهور می‌یابند. بدین ترتیب هر ردیف از قطعاتی که به شکل شیپوری و یا خرطومی اند تکیه‌گاه قطعه برجسته دیگریند و در مجموع باعث به وجود آمدن شبکه‌های حفره‌ای می‌شوند. این شبکه‌ها نمایانگر قسمت‌های برآمده‌ای می‌باشند که به شکل آبشارند و هرکدام از دو طرف تکیه‌گاه دیگری است.

ایوان‌های کندویی

بارزترین نمونه قابل تحسینی که مسجد جمعه اصفهان در آن توانایی‌های شایان توجه اسلوب ایوان‌سازی کندویی را به نمایش می‌گذارد ایوان غربی این مسجد است. ایوان مذکور کاملاً پوشیده از حفره‌های کوچکی است که با سطوح مثلثی شکل و یا آویزهای واژگون جفت و جور شده‌اند. این نمایش فوق‌العاده و زیبا از لحاظ ساختمانی مربوط به اواسط قرن دوازدهم میلادی یعنی اواخر دوره سلجوقی می‌شود. اما تزیینات میناکاری که حواشی ایوان را دربر گرفته‌اند مربوط به قرن پانزدهم میلادی هستند.

اضافه نماییم که قسمت پشت این ایوان بیانگر ساختاری از شیوه‌های ساختمانی است که در آنجا می‌توان به وضوح خطوط ممتد فشار را که به وسیله

حایل‌ها و کمان‌های بزرگ در توده‌های متراکم به وجود آمده است مشاهده نمود. در واقع زوایای برجسته به نحو احسن شیوه عمل این معماری باشکوه را که مبتنی بر اصول فنی است بیان کرده‌اند. معماری اروپا خیلی دیر با این راه‌حل‌ها و شیوه‌های پیشرفته معماری آشنا شد. این آشنایی مقارن با شکوفایی سبک گوتیک از قرن چهاردهم تا قرن شانزدهم میلادی و سپس هم‌زمان با سبک باروک اروپایی بود...

ایوان جنوبی که هم‌زمان با ایوان غربی ساخته شده و از لحاظ مکانی قبل از شبستان گنبددار منک‌شاه قرار دارد معرف ساختاری ساختمانی است که مبتنی بر همان اصول معماری به کاررفته در شبستان مذکور است. ولی از لحاظ شکل‌پذیری نقوش معماری مسئله پیچیده‌یی وجود دارد چرا که در واقع ایوان مذکور در دو مرحله ساخته شده است: این ایوان به وسیله نوعی طاقچه که عمق زیادی ندارد و پوشیده از حفره‌های بزرگ می‌باشد مشرف به صحن مسجد است.

ایوان فوق‌ادامه‌یی ندارد و بعد از آن می‌توان بلافاصله گنبد هشت‌ضلعی را مشاهده نمود که در آن دورنماهای طاق و سطوح مثلثی شکل وجود دارند. در آنجا اتصال به‌طور تدریجی و نامحسوس مطابق با نوعی قوس یاز که دارای چند بخش کروی شکل است انجام می‌پذیرد. این قوس دارای کمان‌های عریضی است که به صورت طبقه طبقه و به شکل آبشارند. ساختاری این بخش مانند ایوان غربی مربوط به قرن دوازدهم میلادی است. البته قابل ذکر است که تزیینات قسمت پایین ایوان غربی و نیز طاق‌نصرت آن که در مجاورت دو مناره قرار گرفته است مربوط به سال ۱۴۷۵ میلادی می‌باشد. این بخش‌ها کاملاً پوشیده از کاشی‌های کوچکی هستند که آن‌ها را به وضوح از تزیینات سلجوقی متمایز می‌کنند. یادآور می‌شویم که در تزیینات سلجوقی فقط رنگ‌های تندی وجود دارند که بر روی زمینه‌یی با آجرهای شیری‌رنگ مشاهده می‌شوند.

شبستان‌ها

از جمله بخش‌هایی که مربوط به قرن دوازدهم میلادی می‌شوند می‌توان به دو شبستان چهل‌ستون اشاره کرد که از هر دو سو مشرف به ایوان و گنبد جنوبی‌اند. وجود شبستان‌های چهل‌ستون بیانگر پذیرش بخشی از طرح مساجد عربی مربوط به ابتدای دوران بنی‌امیه توسط ایرانیان است. البته شبستان‌های مشابه دیگری نیز در اطراف گنبد شمالی ساخته شده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد که تاریخ ساخت آن‌ها مربوط به قرن چهاردهم میلادی باشد. این مجموعه فضاهای پوشیده که به کمک گنبدها

شبستان زمستان مسجد جمعه که در سال ۱۴۴۷ میلادی هم‌زمان با دوره تیموری بنا شده. مزف محوطه کم‌ارتفاعی است که در فضای سایه‌روشن غوطه‌ور است. در این شبستان کمان‌های بزرگ شکسته باعث تشکیل خطوط متقاطع می‌شوند که تا کف عمارت رسیده‌اند. به‌جز چند روزنه جانبی این شبستان (با اندازه ۵۰، ۲۸ متر)، تنها روشنایی سقف به‌وسیله لوحه‌های مرمری تقسیم شده است. این لوحه‌ها به روشنایی شبستان انعکاس وسیعی می‌بخشند.



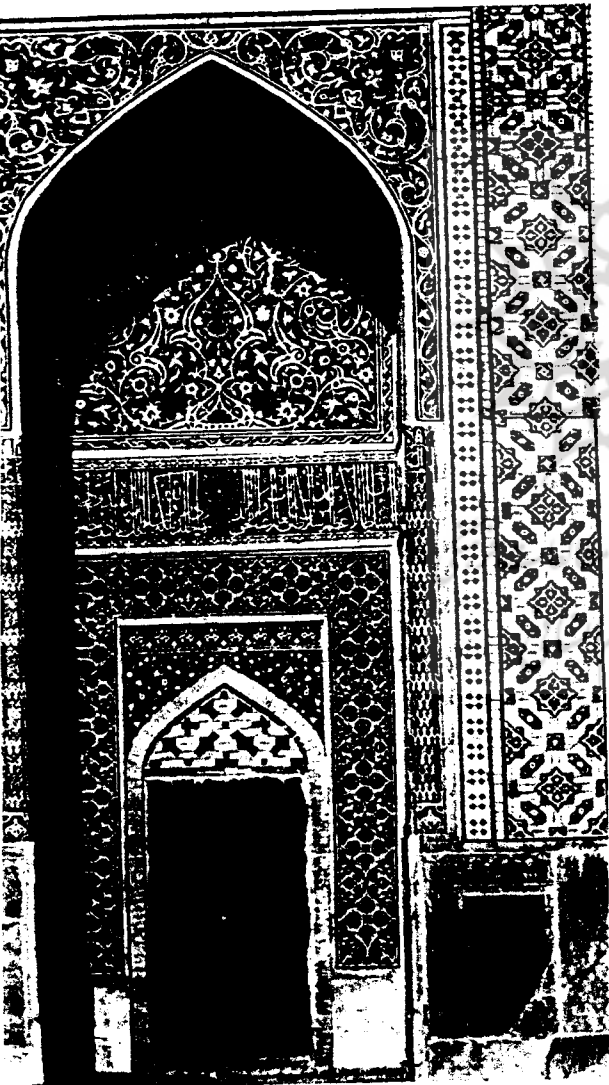
سردر ورودی غربی صحن مسجد جمعه با تزیینات خاتم‌کاری منسوب به دوره تیموری و کتیبه‌ی که مربوط به سال ۱۴۴۷ میلادی است.

و طاق‌های کوچک آجری شکل گرفته‌اند موفقیت مناسبی برای معماران ایرانی فراهم می‌آورند تا مهارت اعجاب‌انگیز خویش را که از قوه تخیل بی‌کران‌شان سرچشمه گرفته است به معرض نمایش بگذارند. در آن‌جا می‌توان حدود صد نوع گنبد گوناگون را که با روش‌های متفاوت گنبدسازی ساخته شده‌اند مشاهده کرد. تمام اسلوب‌های معماری در آن‌جا تجربه شده‌اند: گنبدهای نیم‌دایره‌یی، فتیله‌یی، مقرنس‌کاری‌شده، کندویی، با ساختار مشعشع، با طرح ستاره‌یی، گنبدهای مخروطی و غیره.

به‌علاوه، ابعاد کوچک گنبدهای مذکور باعث می‌شوند تا معماران بتوانند ذوق و تجلیات هنری خویش را به بهترین وجه در آن‌جا به کار گیرند. تزیینات موجود تنها به کمک ترتیب چیدن پی‌درپی آجرهایی صورت می‌گیرد که طبق یک سنت مربوط به بعد از قرن دهم میلادی می‌شود و در دامغان، خرگان، جام و به‌خصوص غزنی گسترش یافته است.

اما مسجد جمعه بیانگر راه‌حل‌های معماری دیگری نیز هست که منشاء و سرچشمه عظیمی دارند. بسدین‌گونه در دوران مغول سلطان اولجایتو (۱۳۰۴-۱۳۱۶ میلادی) دستور ساخت تالاری را داد که گنبد آن متأثر از بعضی فنون معماری سلجوقی بود. با این‌وجود تالار مذکور باعث افزایش ابداعات در شیوه‌یی می‌شد که در آن فواصل عرضی سقف بسیار گسترش یافته بودند و فضایی برابر با ۲۰ متر طول و ۸ متر عرض را اشغال کرده بودند. این تالار که سلطان اولجایتو دستور ساخت آن را داد آراسته به محرابی است که با ظرافت بسیاری گچ‌بری شده و نقوش تزیینی با مهارت هرچه تمام‌تر بر روی آن نقش بسته‌اند. در این محراب استفاده از خط عربی به‌عنوان سبک اساسی تزیینات مورد استفاده قرار گرفته است.

پشت این فضا شبستان زمستانی وجود دارد که تاریخ ساخت آن به سال ۱۴۴۷ میلادی می‌رسد و



مربوط به دوره تیموری است. این شبستان با ۵۰ متر طول و ۲۸ متر عرض پوشیده از یک سری طاق‌های موزب و متقاطع گنبدی شکل است که تا کف آن امتداد یافته‌اند و در آن جا ده ستون بسیار محکم را تشکیل داده‌اند. با دیدن این عمارت که از مشخصاتی از قبیل ارتفاع کم، سقف کوتاه و فضایی سایه‌روشن برخوردار است احساس تجدیدگرایی مفروطی به آدمی دست می‌دهد. خطوط گسترده و باز و نیز نقش و بازی اشکال واضح و خالص که به وسیله دریچه‌های کوچک سقف روشن و درخشان شده‌اند، فضایی روشن و زردرنگ را به وجود آورده‌اند. این شبستان زمستانی با سه رواق و هجده قوس متقاطع نشانی است از دانش شگفت‌انگیز فضاها داخلی معماری و شاید بتوان گفت که منشعب از شکل خیمه‌های چادر نشینان مغول است.

تزئین با کاشی‌های کوچک لعاب‌دار

طاق‌های کوچک سردرهایی که در چهارسوی صحن واقع شده‌اند منسوب به دوره تیموری‌اند. در واقع در چهار طرف این صحن تزئینات کاشی‌کاری با کاشی‌های بسیار کوچک نمایانگر شکوه و عظمت این نوع آرایش است. تزئینات با خطوط شاخ و برگ‌دار از مشخصه‌های اصلی آرایشی است که پس از این دوره به عنوان نشان بارزی از معماری ایرانی به شمار خواهد آمد. لعابی که این کاشی‌ها را می‌پوشاند از مزیت ویژه برخوردار است و باعث جلا بخشیدن به رنگ‌های به کار رفته می‌شود. پس از تیموریان هنر کثرت رنگ‌ها تمام عمارت‌ها را دربر می‌گیرد و محدود به رنگ‌های توند و مجزای دوره سلجوقی نمی‌شود. این تحول تا معماری دوره صفوی هم چنان به قوت خود باقی می‌ماند.

ایوان سوم و چهارم

از چهار ایوانی که صحن مسجد را دربر گرفته‌اند ما تنها در مورد دو ایوان صحبت کردیم. دو ایوان دیگر یعنی

ایوان شمالی و شرقی نیز وجود دارند. ایوان اول (شمالی) به شکل گنبد ساده‌یی می‌باشد با قوس شکسته که تاریخ ساخت آن مربوط به دوره سلجوقی و پس از سال ۱۱۲۱ میلادی است. اما به نظر نمی‌آید که تزئینات این گنبد قبل از دوران حکمفرمایی شاه سلیمان (۱۶۶۷-۱۶۹۴ میلادی) صورت گرفته باشد. با این وجود تاریخ تزئینات گنبد مذکور به دوره قاجار نیز مربوط نمی‌شود (قرون هجدهم و نوزدهم میلادی).

و اما راجع به ایوان شرقی، قابل ذکر است که ساخت و تزئین آن با سطوح کوچک و یا حفره‌های کندویی صورت گرفته است. این حفره‌های کندویی بسیار کوچک‌تر از حفره‌های کندویی به کار رفته در ایوان‌های دوره سلجوقی می‌باشند و به نظر می‌آید که از ذوق و سلیقه دیگری سرچشمه گرفته باشند و تاریخ ساخت آن‌ها مربوط به زمان دیگری باشد. تصور می‌شود که در آن‌جا جنبه ساختاری و نیز نقش و کارکرد عناصر ساختمانی به نفع تزئینات موجود کنار گذاشته شده و از سیستم تزئیناتی عصر صفوی سرچشمه گرفته‌اند.